

مناطق آزاد، محرک توسعه تحلیلی جامعه‌شناختی بر ابعاد عملکردی منطقه آزاد ارس

زهرا حضرتی صومعه^{۱*}

روح‌اله ساعی شترباتی^۲

رزا کریم‌پور^۳

چکیده

واژه توسعه به عنوان سازه‌ای چندبعدی در جامعه‌شناسی، از خیل عظیمی از محرک‌ها و عوامل تاثیر می‌پذیرد که در این میان، مناطق آزاد یکی از عوامل محرکه توسعه قابل ذکر است که در بخش‌هایی از ایران از جمله منطقه آزاد ارس هم چنین منظوری مورد طلب است. با بهره‌گیری مناسب از مناطق آزاد در فرایند توسعه می‌توان از یک اقتصاد درون‌گرا به یک اقتصاد باز و برون‌گرا تبدیل شد و در عرصه‌های اقتصاد و تجارت بین‌المللی حضور موثر داشت. مناطق آزاد تجاری در ادبیات اقتصادی و بازرگانی کلیدواژه‌های مهمی می‌باشند؛ هرچند در بطن آن در ابتدا موضوعات بازرگانی به ذهن متبادر می‌گردد، منتها باید توجه داشت که مناطق آزاد به صورت یک سرمنشأ، تأثیرات اجتماعی و فرهنگی درخور توجهی از خود بر جای می‌گذارند و صرفاً در حیطه اقتصادی و بازرگانی منحصر نیستند. از آنجایی که تاکنون مطالعه جامعی در زمینه ابعاد جامعه‌شناختی و اجتماعی مناطق آزاد در ایران انجام نشده است، تحقیق حاضر به بررسی این مهم پرداخته است. در این راستا پس از مرور ادبیات و انجام ۱۴ مصاحبه با خبرگان موضوع، از روش تجزیه و تحلیل تم برای یافتن الگوهای موجود در سری داده‌ها و شناسایی ابعاد مختلف جامعه‌شناختی و عملکردی منطقه آزاد ارس استفاده شده است. در نهایت، پس از تحلیل داده‌ها ۲۸ دسته مفهومی و ۹ تم همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، اخلاق اجتماعی، امنیت اجتماعی، کیفیت زندگی، عملکرد اقتصادی، عملکرد اجتماعی، عملکرد سیاسی و عملکرد فرهنگی شناسایی و در قالب الگوی نظری مقاله ارائه شده است.

واژگان کلیدی: توسعه، گروه اجتماعی، ویژگی جامعه‌شناختی، عملکرد، منطقه آزاد ارس.

hazrati14@yahoo.com

saei.bani@gmail.com

rosakarampour@yahoo.com

۱- استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

۳- استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

مقدمه

مفهوم توسعه بعد از جنگ جهانی دوم گسترش یافت، به گونه‌ای که در اواخر قرن بیست و در قرن بیست و یکم قدرت کشورها بر اساس میزان توسعه‌یافتگی به ویژه توسعه اقتصادی تعریف می‌شد (رستمی و بهرامی پور، ۱۳۹۷: ۹۵)، در این راستا کشورهایی که توانستند انقلاب صنعتی و تحولات وابسته به آن را با موفقیت پشت سر بگذارند توسعه‌یافته و در غیر این صورت در حال توسعه یا جهان‌سومی نامیده شدند (بروجی، ۱۳۹۳: ۱۸۵).

میسیرا^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان "مفهوم توسعه، مشخصه‌های جامعه عقب‌افتاده" توسعه را متشکل از پنج زیرمفهوم می‌داند: افزایش رفاه مادی، افزایش رفاه اجتماعی، بهبود وضع اجتماعی مردم، افزایش امنیت، آزادی و فرصت‌های مناسب و مشارکت در امور محلی، منطقه‌ای و ملی و در نهایت توزیع ثمرات پیشرفت در میان گروه‌های مردم در مناطق مختلف یک کشور به صورت عادلانه (میسیرا، ۱۳۶۴: ۱۳).

توسعه به معنای کامل آن، نه تنها شامل بالابردن سطح زندگی اقتصادی و نجات از فقر و درماندگی و بی‌سوادی است، بلکه دربرگیرنده نهادها و بنیان‌های فکری روابط اجتماعی، گروهی و طبقاتی تعلیم و تربیت، تولید دانش، ابداعات تکنولوژی، حساسیت‌های اجتماعی، منطق عملی و مهارت‌های هنری و ظرافت‌های ادبی و نظام قضاوت در حدی است که می‌تواند در سطح جهانی برای خود جایی باز کند (توسلی، ۱۳۷۳: ۲۶).

واژه توسعه به عنوان سازه‌ای چندبعدی در جامعه‌شناسی، از خیل عظیمی از محرک‌ها و عوامل تاثیر می‌پذیرد؛ که در این میان، مناطق آزاد یکی از عوامل محرکه توسعه است. هرچند در بطن آن در ابتدا موضوعات بازرگانی به ذهن متبادر می‌گردد، منتها باید توجه داشت که مناطق آزاد به صورت یک سرمنشأ، تأثیرات اجتماعی و فرهنگی درخور توجهی از خود بر جای می‌گذارند و صرفاً در حیطه اقتصادی و بازرگانی منحصر نیستند.

امروزه نوعی در هم تنیدگی میان حوزه اقتصاد، جامعه و سیاست برقرار است به‌ویژه که این مسئله بیش از حوزه سیاست و اجتماع بین علم اقتصاد و جامعه به چشم می‌خورد. در همین رابطه نکته درخور تأمل این است که تحولات اقتصادی با خود فعل‌وانفعالات اجتماعی زیادی در پی خواهند داشت. از رهگذر همین مسئله است که می‌توان اذعان داشت که تحولات اقتصادی در قالب مناطق آزادی تجاری یا بنادر یا مراکز تجاری مرزی یا درون کشور که محل تجمع جمعیت

و گروه‌های انسانی هستند با خود تغییر و تحولاتی را بر روی زیست انسانی و مسائل مترتب بر آن به منصف ظهور خواهند رساند. لذا مناطق آزاد صنعتی - تجاری به‌عنوان پیشران زیربنایی تأثیرات غیرقابل کتمان بر روی مسائل اجتماعی منطقه و سایر حوزه‌های ذی‌ربط دارد.

گروه‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه می‌باشند؛ گروه اجتماعی که صورت کامل آن جامعه است، واحدی مرکب از دو تن یا عده بیشتر انسان است که بر اثر کنش‌های متقابل اجتماعی به یکدیگر پیوند خورده باشند. (سیلان اردستانی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). فعالیت‌های مشترک اعضا گروه اجتماعی و نحوه تعامل و سازماندهی آنها منتج به خروجی‌هایی می‌شود که در قالب عملکرد جمعی نمود پیدا خواهد کرد. لذا با توجه به نقش حیاتی گروه‌های اجتماعی در یک منطقه، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی همه جانبه این گروه‌ها و اثرپذیری آنها از شرایط منطقه می‌باشد. بر این اساس هدف پژوهش حاضر احصا ابعاد جامعه‌شناختی و عملکرد مناطق آزاد می‌باشد و منطقه آزاد ارس به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. منطقه آزاد ارس با مرکزیت جلفا در شمال غرب ایران واقع شده و در حاشیه رود ارس قرار گرفته است. منطقه آزاد ارس در ۱۳۷ کیلومتری تبریز واقع شده است. ۲۲ شرکت خارجی در ارس فعال بوده و بیش از ۱۰۰ نفر از اتباع خارجی کشورهای ترکیه، کره جنوبی، هندوستان، ارمنستان، چین و قزاقستان فعالیت‌های اقتصادی و تجاری انجام می‌دهند.

پژوهشگران با طرح سوالات و انجام مصاحبه با خبرگان موضوع به دنبال یافتن پاسخ به سوالات تحقیق پیرامون چیستی ویژگی‌های جامعه شناختی و ابعاد عملکردی منطقه تجاری صنعتی آزاد ارس می‌باشد. لازم به توضیح است جامعه هدف متشکل از کارشناسان و صاحب‌نظران اجتماعی آشنا با منطقه آزاد ارس (خبرگان علمی و مدیران دولتی) بوده و با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی با صاحب‌نظران مصاحبه انجام شده و این کار تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد.

مرور ادبیات و پیشینه تحقیق

مسئله توسعه به ویژه توسعه اقتصادی همواره مورد توجه دولتمردان و اقتصاددانان بوده است. در رابطه با توسعه، نظریه‌های بسیاری وجود دارد از جمله نظریه ریکاردو^۱، نظریه روستو^۲، نظریه رشد متوازن روزنشتاین^۳ و نظریه رشد نامتوازن هیرشمن^۴.

1- Ricardo

2- Rostow

3- Rosenstein's Balanced Growth Theory

4- Hirschman's imbalanced growth theory

به عقیده ریکاردو، تمرکز سرمایه نتیجه و ثمره تجمع سودهاست، چون سود موجب پس‌انداز ثروت می‌شود و برای تمرکز سرمایه از آن استفاده می‌گردد. تمرکز سرمایه به دو عامل بستگی دارد: توانایی برای پس‌انداز و اراده برای پس‌انداز. توانایی برای پس‌انداز نقش موثرتری در تمرکز سرمایه دارد. هر چه مازاد عایدی نسبت به هزینه‌های تولید بیشتر باشد، توانایی برای پس‌انداز نیز زیادتر خواهد شد. همانطور که ریکاردو نوشته است: "از دو قرص نان ممکن است تنها یکی خورده شود، در حالی که از چهار قرص نان سه نان ممکن است باقی بماند". زمین‌داران و سرمایه‌داران از مازادهای خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. اندازه این مازاد درآمد بستگی به نرخ سود دارد (فیل سرائی و ملکدهی، ۱۳۹۴: ۶۵).

روستو توسعه را فرایندی چندمرحله‌ای می‌داند که از مراحل چون سنتی، انتقالی، خیز و بلوغ می‌گذرد و در نتیجه، به مرحله مصرف انبوه می‌رسد که عالی‌ترین مرحله رشد اقتصادی است (مظفری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۰). او بر ترکیبی از پس‌انداز، کمک‌های خارجی و نقش شتاب‌دهنده انباشت سرمایه برای توسعه اقتصادی در گذر از این مراحل، تأکید می‌کند (Rist, 2008: 99-100). لذا از نظر او می‌توانیم همه جوامع را از نظر ابعاد اقتصادی‌شان به‌گونه‌ای که در یکی از این پنج مرحله رشد اقتصادی قرار گرفته‌اند و یا در روند خود باید از این مراحل گذر کنند، شناسایی کرد (Rostow, 1960:4; Hettne, 2009:75).

نظریه رشد متوازن روزنشتاین رودان یا نظریه فشار همه‌جانبه، به معنی برنامه‌ریزی جامع و کامل سرمایه‌گذاری برای حذف موانع موجود بر سر راه کشورهای درحال توسعه است. این نظریه عامل رشد مداوم اقتصادی را وجود حداقل سرمایه‌گذاری می‌داند. به عقیده او، بر مبنای اصول تقسیم بین‌المللی کار باید نیروی کار به مناطقی که سرمایه وجود دارد، هدایت شود. سرمایه باید به مکانی که نیروی کار فراوانی دارد انتقال یابد. حرکت نوع اول بیانگر مهاجرت و حرکت نوع دوم صنعتی‌شدن را به همراه دارد. از آنجا که مهاجرت مشکلات و دشواری‌های فراوانی را در بر خواهد داشت، گزینه صنعتی‌شدن مقبولیت بیشتری دارد (Peet & Hartwick, 2009).

هیرشمن تأکید اصلی‌اش را در مطالعات حوزه اقتصاد توسعه روی رشد نامتوازن اقتصادی گذاشته و بیان کرده است به دلیل کمبود تصمیم‌گیران قدرتمند و عالم اقتصادی در کشورهای درحال توسعه و ناتوانی در ایجاد انگیزه کار و فعالیت اقتصادی و بکارگیری بهینه منابع طبیعی و منابع انرژی، امکان رشد بهینه اقتصادی با حداکثر توان در این کشورها وجود ندارد. هیرشمن بیشتر به ورود به مسیر رشد در مرحله اولیه توسعه تأکید دارد (Rodrik, 2010, p. 93) و در این زمینه نقش بزرگی را برای دولت در نظر می‌گیرد که شامل فعالیت‌های مستقیم تولیدی است

(Holz, 2011 p.221). پیشنهاد هیرشمن برای تغییر این وضعیت، ایجاد صنایع بزرگ در کشوری درحال توسعه است که محصولات تولیدی آنها با صنایع و بنگاه‌های مختلف بیشترین ارتباط پسینی و پیشینی را داشته باشد و در واقع یا ماده اولیه واحدهای صنعتی زیادی را تامین کند یا برای ساخت آن ماده اولیه با واحدهای صنعتی مختلف، مبادله کالا و پول داشته باشد (Peet & Hartwick, 2009).

مناطق آزاد تجاری نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی کشورها در جهان دارند. هر فعالیت اقتصادی جدید تأثیر بسیار زیادی بر توسعه منطقه میزبان خواهد داشت. فعالیت اقتصادی موفق منجر به ایجاد ارزش افزوده و سودآوری شده و این سودآوری مشوق و انگیزه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاران بیشتر در منطقه خواهد بود. افزایش ظرفیت سرمایه‌گذاری‌های جدید در منطقه به معنی افزایش فرصت‌های شغلی است که توسط مردم محلی پر می‌شود. با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید سطح رفاه در منطقه نیز ارتقا خواهد یافت (Demirelisc, 2018: 3; Pastusiak, 2015: 914).

با رشد سریع علم و تکنولوژی، توسعه همکاری‌های اقتصادی و افزایش رقابت، مناطق آزاد تجاری اهمیت بسیار زیادی یافته‌اند. شکی نیست که این مناطق نقش بی‌بدیلی در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند (Choe, 2003:51; Herlevi, 2017:688). عبارت مناطق آزاد تجاری در دهه ۱۹۶۰ در ادبیات تجارت جهان مورد توجه قرار گرفت (Aitken & Harrison, 1999:609). اولین منطقه تجاری مدرن در سال ۱۹۵۹ در ایرلند ایجاد شد (Akinci & Crittle, 2008:53). در آسیا نیز هند اولین کشوری بود که به اثربخشی مناطق آزاد در افزایش صادرات پی برد و در سال ۱۹۶۵ اولین منطقه آزاد تجاری آسیا را تأسیس نمود (Daru, 2016:155).

برای مفهوم منطقه آزاد تعاریف مختلفی وجود دارد. وجه مشترک آنان این است که منطقه آزاد منطقه‌ای است که از امنیت ویژه برخوردار بوده، مدیریت مجزا دارد و مزایای مختلفی را برای سرمایه‌گذاران در منطقه ارائه می‌نماید (Zeng, 2016:5). منطقه‌ای با مزیت‌های اقتصادی پدیده‌ای ویژه در بسیاری از کشورها در طول تاریخ بوده است. این مناطق مزیت‌های زیر را برای منطقه یا کشور به ارمغان می‌آورند: ایجاد ظرفیت‌های بزرگ‌تر واردات و صادرات، ایجاد فضای بهتر برای فعالیت‌های صنعتی، جذب و کنترل سرمایه‌های خارجی و ...، در طول زمان دلایل ایجاد مناطق آزاد تجاری بسته به نیاز کشورهای میزبان دچار تغییر شده است (Jayanthakumaran, 2003:55).

ایجاد مناطق آزاد تجاری در ایران، در سال ۱۳۳۰ شکل گرفت و با تدوین برنامه اول توسعه به دولت اجازه داده شد تا در سه نقطه اقدام به تأسیس مناطق آزاد تجاری صنعتی کند. بر اساس این برنامه گمرک و سازمان بنادر نیز موظف به ایجاد مناطق حراست شده ویژه‌ای شدند تا کالاها و مواد اولیه، قطعات و ابزار تولیدی را که بدون انتقال ارز وارد کشور می‌شد، به صورت امانی

نگهداری کنند (سازمان برنامه، ۱۳۳۱: ۵۴). گرچه در برنامه دوم و سوم توسعه توجه به صادرات غیرنفتی بوده است اما در عمل هنوز وابستگی به نفت چشم‌گیر است و مناطق آزاد تجاری-صنعتی کشور به دلیل کمبود امکانات زیر بنایی و مدیریت ناکارآمد موفق به اجرای مأموریت مناسب در این مناطق نبوده است؛ بنابراین باید بررسی همه‌جانبه جهت کار این مناطق صورت پذیرد و به‌موازات آن مناطق جدید به وجود آید (سازمان برنامه، ۱۳۳۸: ۹۸؛ سازمان برنامه، ۱۳۴۶: ۲۱).

همچنین با توجه به گسترش روزافزون این مناطق آزاد در ایران و قابلیت‌هایی که به‌مرور به آن‌ها اضافه می‌شود، بررسی جامعه‌شناختی افراد ساکن در آن حائز اهمیت است. بررسی رابطه عملکرد این مناطق با شرایط گروه‌های اجتماعی^۱ موجود در این مناطق می‌تواند منجر به شناخت تغییرات اجتماعی و فراهم شدن شرایطی مطلوب جهت زندگی در این مناطق شود. منطقه آزاد ارس یکی از موفق‌ترین مناطق آزاد تجاری در ایران می‌باشد که به عنوان نمونه مورد مطالعه در این تحقیق انتخاب شده است. منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس در استان آذربایجان شرقی و شمال غرب ایران واقع شده است. بنا بر ارزیابی‌های صورت گرفته از سوی دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد ایران، منطقه آزاد ارس، پس از منطقه آزاد کیش، دومین منطقه آزاد توسعه‌یافته و در حال رشد کشور است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳).

این منطقه که در مجاورت دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان قرار گرفته، دارای وسعت ۵۱،۰۰۰ هکتار است. منطقه آزاد ارس در ۱۳۷ کیلومتری شهر تبریز قرار داشته و با شهر تهران نیز ۷۶۱ کیلومتر فاصله دارد.

شهر جلفا به عنوان مرکز این ناحیه صنعتی-تجاری، در زمینه تجاری و گمرکی دارای پیشینه‌ای صد ساله بوده و مرز مشترک ایران و نخجوان در شهر جلفا به عنوان پرتودندترین مرز مسافری ایران، پس از فرودگاه‌های تهران مطرح است (خبرگزاری آریا، ۱۳۹۱).

منطقه آزاد ارس با فراهم‌سازی زیرساخت‌های توسعه در کنار گمرکات و مراکز تخلیه و بارگیری کالا و الگوسازی ورود به جامعه جهانی، توانسته است در جهت ارتقای نقش همبستگی اقتصاد ملی با اقتصادی جهانی، بسترساز تعامل سازنده کشور با جهان باشد.

لذا همان‌طور که عنوان شد، یکی از عواملی که بر عملکرد مناطق آزاد تأثیر می‌گذارد ویژگی‌های گروه‌های اجتماعی است. با توجه به نقش حیاتی گروه‌های اجتماعی در یک منطقه،

1- Community groups

بررسی همه‌جانبه این گروه‌ها و اثرپذیری گذاری و اثرپذیری آن‌ها از شرایط منطقه بسیار حائز اهمیت است.

از دیدگاه برخی از جامعه‌شناسان، مفهوم گروه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از افراد که روابط قوی و نسبتاً پایداری باهم داشته، در بعضی از عقاید و احساسات باهم شریک بوده و هدف یا اهداف مشترکی را دنبال می‌نمایند (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵). به عبارتی، می‌توان گفت گروه اجتماعی عبارت است از افرادی که ۱- وجوه اشتراک مهم دارند. ۲- فعالیت مشترک دارند (کنش متقابل). ۳- نسبت به هم احساس تعلق خاطر یا احساس «ما» پیدا نموده‌اند. ۴- دارای ساخت و سازمان‌دهی می‌باشند (سیلان اردستانی، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

لطیفی و قائم‌پور (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان "تأثیر مناطق ویژه اقتصادی بر رفاه و توسعه اجتماعی مناطق شهری و روستایی (مطالعه موردی: منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان)" بیان می‌کنند که ایجاد مناطق آزاد تجاری، مناطق ویژه اقتصادی و در کل مناطق پردازش صادرات یکی از اهداف برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ملی است که به منظور افزایش و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال، جذب سرمایه‌گذاری داخل، انتقال فناوری، افزایش درآمد عمومی و دیگر موارد انجام می‌پذیرند. اجرای چنین برنامه‌هایی و ایجاد چنین مناطقی، همواره مستلزم پیامدهایی در بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز هست. بر این اساس مقاله مذکور به بررسی تأثیر ایجاد منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان بر توسعه اجتماعی شهر سلفچگان پرداخته است. این پژوهش از نوع توصیفی پیمایشی بوده و جامعه آماری آن، کلیه ساکنین روستای سلفچگان را شامل می‌شود. نتایج به دست آمده نشان داد ایجاد منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان از طرفی باعث کاهش همبستگی اجتماعی و کاهش اعتماد اجتماعی، در بین مردم سلفچگان شده، اما از جانب دیگر وجود این منطقه، باعث بهبود رفاه اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی مردم شهر سلفچگان شده است.

عباسی اسفنجانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان "بررسی عملکرد منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس از منظر صادرات" به دنبال بررسی عملکرد منطقه آزاد تجاری ارس از منظر صادرات بودند. بدین منظور عوامل تأثیرگذار بر بهبود عملکرد صادرات مناطق از طریق مرور ادبیات شناسایی و با استفاده از روش توصیفی-پیمایشی و ابزار پرسشنامه و با مراجعه به نمونه ۱۲۰ نفره از جامعه آماری کارشناسان، خبرگان و فعالان منطقه آزاد تجاری ارس، داده‌های موردنیاز جمع‌آوری و با روش تحلیل عاملی تأییدی و مدل اندازه‌گیری معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که عوامل اقتصادی، عوامل زیربنایی،

نظام‌های حقوقی و عوامل محیطی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر ارتقای عملکرد صادراتی منطقه ارس دارند.

کریمی‌کیا و مقدم (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان "بررسی عوامل جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد اروند" ضمن بررسی ادبیات نظری تحقیق مبتنی به شناسایی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد اروند در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۴ پرداخته‌اند. پژوهشگران ضمن مطرح نمودن ۵ فرضیه با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی صحت آنها را بررسی نموده و در نهایت نتیجه گرفتند که عدم وجود امکانات زیربنایی، عدم سرمایه‌گذاری مناسب دستگاه‌های دولتی، نارسایی قوانین و مقررات از موانع عمده جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد اروند به شمار می‌روند.

تقی‌زاده (۱۳۸۹) در گزارش خود با عنوان "عملکرد مناطق آزاد تجاری-صنعتی کشور در چهار سال اول برنامه چهارم توسعه" بیان می‌کند که بررسی دقیق عملکرد مناطق آزاد در صورتی امکان‌پذیر است که شاخص‌های عملکرد این مناطق متناسب با اهداف تعیین شده در برنامه جامع و سند راهبردی آن تدوین شده و به اتکای آمار به هنگام مورد تجزیه و تحلیل واقع شود، با این حال در غیاب تدوین و تصویب برنامه جامع و سند توسعه راهبردی مناطق آزاد در طول سال‌های برنامه چهارم توسعه و عدم ارائه به‌هنگام اطلاعات شاخص‌های مذکور از سوی دبیرخانه مناطق آزاد تجاری، بررسی درصد تحقق اهداف در سال‌های برنامه چهارم توسعه به صورت دقیق امکان‌پذیر نمی‌باشد. با این حال بررسی روند شاخص‌هایی نظیر صادرات و واردات، جذب سرمایه‌گذاری واقعی و خارجی، ایجاد اشتغال و ترانزیت کالا در چهارساله اول برنامه چهارم توسعه نسبت به سال‌های قبل و برنامه سوم حاکی از این است که عملکرد این مناطق با اهداف و وظایف اصلی آنها فاصله زیادی داشته است و این مناطق به ویژه در سال‌های اخیر به پایانه‌ای برای واردات کالاهای لوکس تبدیل شده‌اند و اهدافی نظیر پردازش صادرات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و جذب فناوری کمتر محقق شده است. تا آنجا که به راهبردهای دولت مربوط می‌شود.

رهنورد (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان "عوامل مؤثر بر عملکرد مناطق آزاد تجاری صنعتی ایران" بیان نموده است که تسریع اجرای امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال، سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات کالاها در کشور، از اهداف مناطق آزاد تجاری در ایران محسوب می‌شود. وی در پژوهش خود به شناسایی عوامل مؤثر بر عملکرد مناطق آزاد ایران و تعیین درجه تأثیرگذاری هر یک از آنها پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ۴۹٪ از تغییرپذیری در عملکرد مناطق آزاد تجاری از پنج عامل نشأت می‌گیرد که عبارت‌اند از

(۱) الزامات اجرایی و خط‌مشی‌گذاری؛ (۲) عوامل محیطی؛ (۳) شفاف‌سازی قوانین و مقررات؛ (۴) جهت‌گیری استراتژیک؛ و (۵) سازوکارهای تأمین مالی.

اسفندیاری و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان "ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تأثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق" به بررسی عملکرد مناطق آزاد سه‌گانه کیش، قشم و چابهار در فاصله زمانی ۸۳-۱۳۷۲ پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد بخش عمده‌ای از هزینه ایجاد زیرساخت‌ها و تأسیسات زیربنایی به منطقه آزاد کیش اختصاص یافته و این منطقه در جذب درآمد ارزی ناشی از توریسم خارجی و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نسبت به سایر مناطق پیشرو بوده است. منطقه آزاد قشم در جذب ۹۹٪ درآمد ارزی ناشی از صادرات کالا در مناطق آزاد ایران فعالیت عمده‌ای داشته است. عملکرد مناطق آزاد چابهار در زمینه عوامل مذکور به دلیل عدم وجود زیرساخت‌ها و محرومیت شدید منطقه بسیار ضعیف بوده و این منطقه نتوانسته است به هدف اصلی خود که ترانزیت کالا است، دست یابد. در مجموع مناطق آزاد سه‌گانه، به‌رغم داشتن زمینه‌ها و توان بالقوه برای توسعه و پیشرفت به دلیل ضعف امکانات و تأسیسات زیربنایی، عدم منابع تأمین درآمدها، عدم ثبات سیاسی، عدم جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، عدم جایگاه تعریف شده در برنامه‌های کلان و راهبردهای توسعه اقتصادی کشور، نتوانسته‌اند عملکرد موفقی ارائه نمایند.

وینود و میرابای^۱ (۲۰۱۶) در مقاله خود با عنوان "اهمیت مناطق آزاد اقتصادی: پژوهشی با نگاه بین‌المللی" بیان می‌کنند که با استراتژی توسعه برون‌گرای موجود، کشورهای سراسر جهان در مناطق جغرافیایی خاص مناطقی را با تأکید ویژه بر ارتقاء صادرات ایجاد نموده‌اند. به منظور به دست آوردن مزایای جهانی‌سازی، بسیاری از کشورهای درحال توسعه سیاست ارتقای صادرات را اتخاذ کرده‌اند. در این سناریو، مناطق ویژه اقتصادی به دلیل نقش کاتالیزوری آنها در ارتقای صادرات، به مکانیسم محبوب سیاست تجارت مبدل شده‌اند. اختیارات اداری ویژه، سازوکار پذیرش آسان، قوانین کار سهل‌گیرانه و در دسترس بودن امکانات تجاری بهتر از جمله زیرساخت‌ها، این مناطق را از سایر مناطق کشورها متمایز کرده است. بعضی از آنها به دلیل قوانین اقتصادی بسیار متفاوت حتی به عنوان سرزمین‌های خارجی شناخته می‌شوند. مناطق ویژه اقتصادی به کشورهای درحال توسعه کمک می‌کنند تا محرک‌های رشد خود مانند ارتقای صادرات، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ایجاد فرصت‌های شغلی، زیرساخت‌های با کیفیت بهتر، افزایش رقابت در صادرات، افزایش درآمد ارزی، به‌روز کردن فناوری و توسعه منطقه‌ای را

1- Vinod & Meerabai

تسریع کنند. با جهانی‌شدن تجارت و بازار مالی، تعداد بیشتری از کشورها مفهوم مناطق ویژه اقتصادی را به منظور به دست آوردن مزایای بازار رقابتی اتخاذ کرده‌اند.

گومز و مولینا^۱ (۲۰۱۸)، در مقاله خود با عنوان "مناطق ویژه اقتصادی و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی منطقه" به بررسی سیستماتیک ادبیات بین‌المللی در مورد تأثیر مدل منطقه ویژه اقتصادی بر توسعه اقتصادی منطقه پرداخته‌اند. نویسندگان ضمن شناسایی، ارزیابی انتقادی و گردآوری مناسب‌ترین و باکیفیت‌ترین مطالعات پیرامون موضوع، شرایط اساسی موفقیت یا عدم موفقیت این سیاست را استخراج نموده‌اند. به زعم نویسندگان مناطق ویژه اقتصادی تأثیر مستقیمی و غیرمستقیم بر توسعه منطقه دارد. نویسندگان این نتایج را به دو گروه نتایج استاتیک که در کوتاه‌مدت حاصل می‌شود و شامل افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال و صادرات می‌باشد و نتایج اقتصادی پویا، از جمله انتقال فناوری، ادغام با اقتصاد داخلی و درنهایت تغییر ساختاری (از جمله متنوع سازی، ارتقاء و افزایش باز بودن سیستم اقتصادی) تقسیم نموده‌اند.

در جمع‌بندی مرور ادبیات و پیشینه تحقیق چنین بر می‌آید که هرچند ادبیات موضوع مفهوم توسعه را در برگیرنده روابط اجتماعی و ویژگی‌های جامعه‌شناختی می‌داند اما مطالعاتی که تاکنون انجام شده‌اند به بررسی بعد اقتصادی مناطق آزاد پرداخته‌اند و تاکید بیشتر آنها بر اهمیت و عملکرد اقتصادی مناطق بوده و بعد جامعه‌شناختی آن مغفول مانده است.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ نوع و هدف، کاربردی است. تحقیقات کاربردی به منظور یافتن راه‌حلی درباره یک مسئله در جامعه، یا سازمان انجام می‌شوند. تحقیقات کاربردی قابلیت پاسخ‌گویی به مشکلات فعلی اقتصادی و اجتماعی جامعه را دارا می‌باشند. رویکرد تحقیق نیز کیفی بوده و از تحلیل تم^۲ برای شناسایی ویژگی‌های جامعه‌شناختی منطقه آزاد ارس استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل تم، روشی است برای تعیین، تحلیل و کدگذاری مجدد الگوهای (تم‌های) موجود در میان داده‌ها (Braun & Clarke, 2006: 83). تم‌ها الگوهای موجود در سری داده‌ها تجزیه و تحلیل هستند (Fereday & Muir-Cochrane, 2006: 4) و در توصیف پدیده مهم بوده و با سؤال پژوهشی ویژه‌ای ارتباط دارند. تحلیل تم از طریق فرآیند کدگذاری طی شش مرحله، به منظور خلق الگوهای صحیح و معنادار، انجام می‌گیرد. این مراحل عبارت‌اند از: آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی تم‌ها، بازبینی تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها و تهیه گزارش نهایی (Braun & Clarke, 2006: 93). جدول زیر مراحل تجزیه و تحلیل تم را نشان می‌دهد:

1- Gomez & Molina
2- Thematic analysis

جدول شماره ۱: مراحل تجزیه و تحلیل تم (Braun & Clarke, 2006: 93).

مرحله	روند	نتیجه
مرحله ۱	مطالعه و بررسی چندباره داده‌ها به منظور آشنا شدن با محتوای داده‌ها و توجه ویژه به الگوهایی که ظاهر می‌شوند.	کدهای اولیه و یادداشت‌های تفصیلی
مرحله ۲	ایجاد کدهای اولیه از طریق مستندسازی مکان و نحوه رخ دادن الگوها. این مورد از طریق تقلیل داده‌ها انجام می‌شود، یعنی زمانی که محقق برچسب‌هایی را برای داده‌ها به منظور ایجاد گروهای برای تجزیه و تحلیل کاراتر، در نظر می‌گیرد. این مرحله همچنین شامل استنباط محقق از معنای کدها می‌شود.	کدهای جامع و فراگیر از چگونگی پاسخگویی داده‌ها بر سؤالات تحقیق
مرحله ۳	ترکیب کدها در قالب تم‌های over-arching که به درستی نشان‌دهنده داده‌ها هستند. به هنگام توسعه تم‌ها بسیار ضروری است که معنای دقیق تم‌ها را حتی اگر تم مناسب به نظر نرسد، شرح دهد، همچنین محقق باید آنچه در تحلیل از قلم‌افزاده است را نیز شرح دهد.	لیستی از تم‌های منتخب برای تجزیه و تحلیل‌های بعدی
مرحله ۴	در این مرحله، محقق به بررسی چگونگی پشتیبانی تم‌ها از داده‌ها و over-arching از منظر نظری می‌پردازد. اگر تحلیل‌ها ناقص به نظر برسد، محقق باید به عقب برگشته و خالاهای موجود را پر نماید.	شناخت منطقی از چگونگی الگو شدن تم‌ها برای بیان داستان دقیق در مورد داده‌ها
مرحله ۵	محقق باید به تعریف چستی هر کدام از تم‌ها، جنبه‌ای از داده‌ها که گرفته شده‌اند ^۱ و موارد جالب توجه در مورد تم‌ها بپردازند.	تحلیلی جامع از سهم و مشارکت تم‌ها در فهم داده‌ها
مرحله ۶	زمانی که محققان، به نوشتن گزارش می‌پردازند، باید در مورد اینکه کدام تم‌ها نقش معناداری در فهم اتفاقی که در میان داده‌ها رخ داده است دارند، تصمیم بگیرند. همچنین محققان باید member checking انجام دهند؛ و آن زمانی است که محقق به نمونه موجود رجوع کرده به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا توصیف انجام شده نماینده دقیق آن است یا نه.	شرح تفصیلی نتایج

1- which aspects of data are being captured

جامعه تحقیق حاضر متشکل از دو گروه خبرگان علمی و مدیران دولتی می‌باشند که با مباحث جامعه‌شناسی آشنا هستند. انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انجام شده است. در این روش نمونه‌ها توسط پژوهشگر دست‌چین می‌شوند چراکه یا به صورت مشخص دارای ویژگی‌های خاص بوده یا غنی از اطلاعات خاص در مورد پدیده مورد نظر هستند. در تحقیق حاضر به منظور جمع‌آوری داده‌ها ۱۴ مصاحبه شامل ۸ مصاحبه با مدیران دولتی و ۶ مصاحبه با خبرگان علمی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان شامل ۳ زن و ۱۱ مرد بوده و در بازه سنی ۳۵ تا ۶۰ سال قرار دارند. همچنین ۸ نفر از مشارکت‌کنندگان دارای مدرک دکتری و ۶ نفر کارشناسی ارشد می‌باشند.

در رابطه با روایی یا اعتبار مطالعه انجام‌شده لازم به توضیح است که محققان کیفی هنگامی که از روایی تحقیق صحبت می‌کنند معمولاً به واژه‌هایی همچون باورپذیری، قابلیت دفاع و امانت‌دار بودن اشاره می‌کنند؛ بنابراین تفکر در زمینه روایی در تحقیق کیفی و ارائه استراتژی‌هایی برای حداکثر نمودن روایی آن فراوان و مهم می‌باشد (Johnson, 1977). ماکسول انواع مختلفی از روایی را در ارتباط با مراحل مختلف تحقیق کیفی تعریف کرده است که از جمله آنها می‌توان مطالعه میدانی گسترده، حداقل مداخله در توصیف، تکثرگرایی داده، تکثرگرایی روش، تکثرگرایی مشاهده‌گر، تکثرگرایی تئوری، بازخور مشارکت‌کننده، دریافت نظرات همکاران و سازگاری با الگوی تئوریک را نام برد (Maxwell, 1992). در پژوهش حاضر به منظور کسب اطمینان از روایی مطالعه انجام‌شده از استراتژی "تکثرگرایی مشاهده‌گر" استفاده شده است؛ بدین صورت که جمع‌آوری تفسیر و کدگذاری داده‌ها توسط سه مشاهده‌گر (محقق) انجام شده است.

یافته‌های تحقیق

ضمن انجام مصاحبه و تحلیل داده‌های حاصل از آن با استفاده از مراحل تجزیه و تحلیل تم، در مجموع ۱۱۸ کد مفهومی، ۲۸ دسته مفهومی و ۹ تم اصلی شناسایی شد. جدول ۲ به طور خلاصه یافته‌های تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: دسته‌های مفهومی و تم‌های شناسایی شده

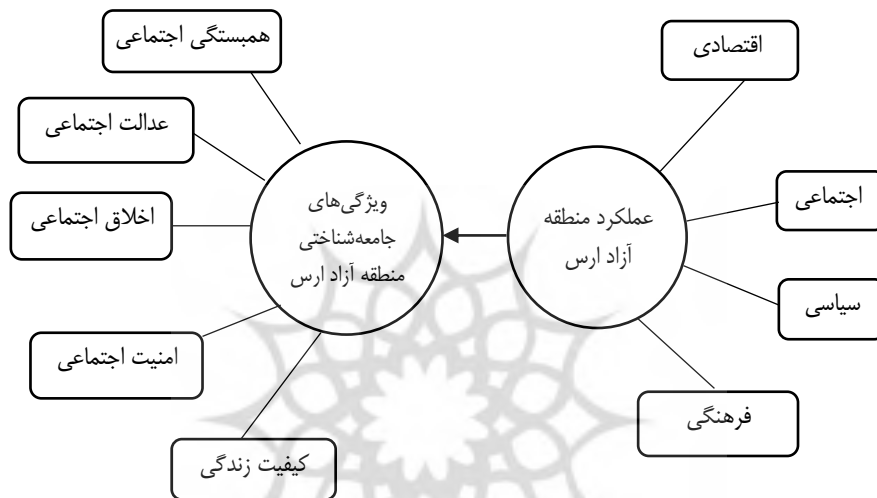
کد مفهوم	دسته مفهومی شناسایی شده	کد تم	عنوان تم
مفهوم ۱	وحدت جمعی	تم ۱	همبستگی اجتماعی
مفهوم ۲	همدلی		
مفهوم ۳	مسئولیت متقابل		
مفهوم ۴	نیازها و الزامات متقابل		

ادامه جدول شماره ۲:

عنوان تم	کد تم	دسته مفهومی شناسایی شده	کد مفهوم
عدالت اجتماعی	تم ۲	برابری و مساوات	مفهوم ۵
		قانون مداری	مفهوم ۶
		توزیع عادلانه فرصت‌ها	مفهوم ۷
اخلاق اجتماعی	تم ۳	ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی	مفهوم ۸
		تبعیت از قوانین اجتماعی	مفهوم ۹
		اصول رفتار اجتماعی	مفهوم ۱۰
امنیت اجتماعی	تم ۴	امنیت مالی و اقتصادی	مفهوم ۱۱
		امنیت سیاسی	مفهوم ۱۲
		امنیت حقوقی و قضایی	مفهوم ۱۳
		امنیت فرهنگی	مفهوم ۱۴
کیفیت زندگی	تم ۵	سلامت جسمی	مفهوم ۱۵
		سلامت روانی	مفهوم ۱۶
		رفاه اجتماعی	مفهوم ۱۷
		وضعیت اقتصادی	مفهوم ۱۸
عملکرد اقتصادی	تم ۶	درآمدزایی	مفهوم ۱۹
		کاهش ریسک سرمایه‌گذاری	مفهوم ۲۰
		جذب سرمایه‌های خارجی	مفهوم ۲۱
عملکرد اجتماعی	تم ۷	روابط اجتماعی	مفهوم ۲۲
		همبستگی و انسجام	مفهوم ۲۳
عملکرد سیاسی	تم ۸	مواضع سیاسی	مفهوم ۲۴
		روابط با سایر دولت‌ها	مفهوم ۲۵
عملکرد فرهنگی	تم ۹	تبادل فرهنگی	مفهوم ۲۶
		هم‌افزایی فرهنگی	مفهوم ۲۷
		روابط فرهنگی	مفهوم ۲۸

الگوی نظری پژوهش

به منظور ارائه پژوهش، بعد از بررسی مفاهیم و تم‌های شناسایی شده و ارتباط آن‌ها با یکدیگر به صورت شکل (۱) استخراج شد.



شکل (۱): الگوی نظری پژوهش

✓ تم شماره ۱، همبستگی اجتماعی: بر اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌های این پژوهش «همبستگی اجتماعی» اولین تم استخراج شده است. به زبان جامعه‌شناختی همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند. این تم از چهار دسته مفهومی شامل: وحدت جمعی، همدلی، مسئولیت متقابل و نیازها و الزامات متقابل تشکیل شده است.

نخستین دسته مفهومی مربوط به تم عوامل مرتبط با «همبستگی اجتماعی»، «وحدت جمعی» است. اگر در جامعه روابط افراد بر اساس همدلی، همیاری و تعاون شکل گیرد می‌توان ادعا نمود که در جامعه وحدت جمعی وجود دارد. در جامعه‌ای که وحدت جمعی وجود دارد منفعت فردی بر منافع جمعی اولویت نداشته و افراد در تمامی اقدامات نفع جامعه را مدنظر قرار می‌دهند. وحدت جمعی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شکل‌دهی همبستگی اجتماعی است. دومین دسته مفهومی «همدلی» است. یکی از چالش‌های اصلی در دستیابی به همبستگی اجتماعی برقراری همدلی و پیوندهای انسانی در جامعه است. هرچه افراد همدلی و پیوندهای انسانی بیشتری داشته باشند آثار مطلوب‌تری در جامعه و اجتماع نمایان خواهد شد. همدلی به معنای درک احساس در فردی دیگر است. همدلی یعنی اینکه قادر باشیم جهان را از زاویه دید دیگران ببینیم.

سومین دسته «مسئولیت متقابل» است. وجود احساس مسئولیت متقابل از بایدهای جامعه همبسته است. جامعه‌ای که تک‌تک افراد خود را در قبال سایرین و جامعه مسئول بدانند، با تقسیم‌کار مناسب، تعامل سازنده و تلاش برای حفظ حیات جامعه همبستگی اجتماعی را متبلور می‌کنند. چهارمین دسته مفهومی «نیازها و الزامات متقابل» است. یکی از الزامات زندگی اجتماعی تقسیم‌کار بین اعضاست. با رشد جوامع دیگر فرد قادر نیست تا از پس تمامی امور خود و خانواده خود به‌تنهایی برآیند. علاوه بر این، برخی امور مربوط به همه اعضا جامعه بوده و لازم است به‌صورت جمعی به آن پرداخته شود. همان‌طور که اشاره شد نیاز متقابل افراد به هم سبب می‌شود تا اعضای جامعه با تعامل و همبستگی به حل مشکلات خود و جامعه بپردازند.

✓ تم شماره ۲، عدالت اجتماعی: در ادبیات جامعه‌شناسی، عدالت اجتماعی به کاهش نابرابری‌های موجود در زمینه قدرت سیاسی، پایگاه اجتماعی و برخورداری از منابع اقتصادی یا توزیع قابل دفاع سودها یا پاداش‌ها در جامعه اطلاق می‌گردد. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌های این پژوهش، «عدالت اجتماعی» دومین تم استخراج‌شده است که از سه دسته مفهومی شامل: برابری و مساوات، قانون مداری، توزیع عادلانه فرصت‌ها می‌شود.

اولین دسته مفهومی مربوط به تم عوامل مرتبط با «عدالت اجتماعی» «برابری و مساوات» است. به‌موجب اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، به‌طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت قانون برخوردارند. در نتیجه زمانی می‌توان از برقراری عدالت اجتماعی در کشور سخن گفت که با عنایت به اصل مذکور برابری و مساوات در زمینه‌های مختلف در جامعه برقرار باشد.

دومین دسته مفهومی «قانون مداری» است. یکی از مؤلفه‌ها و ضرورت‌های هر جامعه رعایت قانون و مقررات آن جامعه در زمینه‌های مختلف است که منجر به ایجاد نظم و انضباط و عدم هرج‌ومرج در ارکان مختلف آن جامعه می‌شود. در طول تاریخ، افراد به‌منظور ایجاد نظم در جامعه اقدام به وضع قانون و حاکمیت بخشیدن به آن کرده‌اند. امروزه نیز قانون مداری یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که در مطالعه ویژگی‌های جامعه‌شناختی گروه‌های اجتماعی باید موردتوجه قرار گیرد.

سومین دسته «توزیع عادلانه فرصت‌ها» است. بر اساس اصل بیستم قانون اساسی باید همه مردم از حقوق برابر برخوردار باشند. یکی از راه‌های عمل به این اصل و به عبارتی ایجاد عدالت اجتماعی در مناطق آزاد امکان برخورداری تمامی مردم از فرصت‌های خاص منطقه به‌صورت برابر و عادلانه است. این مهم جز از طریق توزیع عادلانه فرصت‌ها در جامعه رخ نخواهد داد.

✓ تم شماره ۳، «اخلاق اجتماعی»: در ادبیات جامعه‌شناختی، اخلاق اجتماعی به آن دسته از منش‌ها و رفتارهایی اطلاق می‌شود که در تعاملات اجتماعی به منصفه ظهور و بروز برسد؛ از این رو چهره و نمای فرهنگی و اخلاقی جامعه در این تعاملات به تصویر کشیده می‌شود (Elsbrnd, 2005, 139). این تم از سه دسته مفهومی شامل ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تبعیت از قوانین اجتماعی و اصول رفتار اجتماعی تشکیل شده است. ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی اولین دسته مفهومی این تم است. ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به یک سری الگوی رفتاری اطلاق می‌شود که روابط و واکنش‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند، اکثریت جامعه خود را به آن پایبند می‌دانند و در صورتی که شخصی آن را رعایت نکند، جامعه او را مجازات می‌کند. دومین دسته مفهومی «تبعیت از قوانین اجتماعی» است. قانون به عنوان یکی از ابزارهای اساسی برای تنظیم رفتار افراد در جامعه، در صورتی می‌تواند موفق و کارآمد باشد که ابتدا ادله قانع‌کننده‌ای برای لزوم تبعیت از آن وجود داشته باشد. قانون به لحاظ جایگاه اجتماعی خود در میانه دو جریان قرار دارد: از یک سو با پیروان و تابعین خود و از جنبه دیگر با وضع‌کنندگان و تصویب‌کنندگان قانون در ارتباط است. سومین دسته مفهومی «اصول رفتار اجتماعی» است. اصول رفتار اجتماعی تعیین‌کننده چارچوب مرادفات و ارتباطات اجتماعی بین افراد است و معمولاً از جامعه‌ای به جامعه دیگر تغییر می‌کند. این اصول رفتاری اولاً از قاعده و قانون خاصی تبعیت می‌کند ثانیاً تقریباً در افراد درونی و نهادینه شده است. رفتارها در زمان تنهایی ممکن است با رفتارهای اجتماعی متفاوت باشد. زمانی که ما در جمعی قرار می‌گیریم در این موقعیت رفتاری شبیه به دیگران خواهیم داشت که این رفتار الزاماً دارای ماهیت یکسانی نیست بلکه موقتاً مشابه دیگران است. لذا می‌توان چنین استدلال کرد که اقتضات هر جمع یا جامعه‌ای اصول رفتار اجتماعی خاصی را ایجاب می‌نماید و ممکن است این اصول از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشد.

✓ تم شماره ۴، عوامل مرتبط با «امنیت اجتماعی»: امنیت اجتماعی در ادبیات جامعه‌شناختی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، ملی، جنسی و ... در حفظ و هویت یا ارزش‌های سنتی و ازلی خود (Dushi et al, 2017, 5). در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۲۰۱۲) در رابطه با امنیت اجتماعی بیان شده است که جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند باید او را در بهره‌برداری از تمامی فرصت‌های شغلی، اقتصادی، فرهنگی، رفاه اجتماعی و ... یاری نماید (Universal Declaration of Human Rights, 2012: Art. 22).

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، تم امنیت اجتماعی از چهار دسته مفهومی شامل امنیت مالی و اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت حقوقی و قضایی و امنیت فرهنگی تشکیل شده است.

نخستین دسته مفهومی مربوط به تم عوامل مرتبط با «امنیت اجتماعی»، «امنیت مالی و اقتصادی» است. یکی از الزامات مناطق آزاد وجود امنیت مالی و اقتصادی است. زمانی می‌توان ادعا نمود در منطقه امنیت اقتصادی وجود دارد که ریسک و عدم اطمینان در آن در کمترین میزان خود باشد و سرمایه‌گذار با آرامش خاطر بتواند سرمایه خود را وارد منطقه نموده و به رشد و بهره‌وری آن اطمینان داشته باشد.

دومین دسته مفهومی «امنیت سیاسی» است. امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را در چارچوب قوانین موجود بیان کنند. در حقیقت بین امنیت سیاسی و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد. نحوه توزیع قدرت و شکل رژیم سیاسی در این مورد اهمیت دارد.

سومین دسته مفهومی «امنیت حقوقی و قضایی» است. امنیت قضایی در واقع نوعی اطمینان و تضمینی است که دولت‌ها برای حفاظت و صیانت از شهروندان خود در مقابل هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی آنان ایجاد می‌کنند تا شهروندان در سایه این امنیت بتوانند فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود را در چارچوب «قانون» به انجام برسانند. «امنیت قضایی» با «اجرای قانون» رابطه تنگاتنگی دارد؛ زیرا اجرای صحیح و مداوم قانون در جامعه، مستلزم وجود «امنیت قضایی» است و در صورت تعدی و تجاوز به قانون، نهادی باید این حالت را به نظم و ثبات اولیه بازگرداند؛ از این رو امنیت قضایی پیش‌نیاز «اجرای قانون» است و از سوی دیگر نیز «امنیت قضایی» در سایه اجرای صحیح قانون از سوی حکومت و مردم در جامعه به وجود می‌آید.

چهارمین دسته مفهومی «امنیت فرهنگی» است. مفهوم فرهنگ به فرایند کلی رشد فکری، معنوی و زیبایی‌شناختی جامعه اطلاق می‌شود؛ همچنین فرهنگ عبارت است از سبک خاصی از زندگی یک ملت، یک گروه و یا شیوه‌های از زندگی در یک دوره زمانی که در روح مشترک جامعه جلوه می‌کند؛ جوامع برای صیانت از افراد باید امنیت فرهنگی را تأمین نمایند به عبارتی باید سازوکاری را پیاده نمایند تا سبک زندگی ملت از گزندها مصون بوده و رشد فکری و معنوی آنان را در طول زمان تأمین نمایند.

✓ تم شماره ۵ عوامل مرتبط با «کیفیت زندگی»: کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چندبعدی از شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر و روستا و کشور) تعریف شده است که هم متکی به شاخص‌های ذهنی^۱ یا کیفی است و هم متکی به شاخص‌های

عینی^۱ (Carr et al, 2001, 1241). تمایل به ارتقا کیفیت زندگی در یک محل خاص یا برای افراد یا گروه‌های خاص همواره مورد توجه برنامه ریزان بوده است. برنامه ریزان، سیاست‌گذاران و سازمان‌های دولتی همواره تلاش می‌کنند تا از طریق تاثیر گذاری بر فرآیندهای برنامه‌ریزی ابعاد مختلف کیفیت زندگی را بهبود بخشند (Massan, 2002:147; Dissart & Deller, 2000: 141). بر اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، عوامل مرتبط با تم کیفیت زندگی شامل دسته‌های مفهومی سلامت جسمی، سلامت روانی، رفاه اجتماعی، وضعیت اقتصادی است.

نخستین دسته مفهومی مربوط به تم عوامل مرتبط با «کیفیت زندگی»، «سلامت جسمی» است. سلامت جسمی به معنای توانمند بودن بدن برای فعالیت روزانه و حفظ انرژی برای موارد اضطراری و دوری از بیماری‌ها و تناسب کلی جسمی است. هر جامعه‌ای به‌منظور حفظ کیفیت زندگی در آن باید بتواند سلامت جسمی شهروندان خود را تضمین نماید.

دومین دسته مفهومی «سلامت روانی» است. مفهوم سلامت روان شامل آسایش ذهنی، احساس خود توانمندی، کفایت و شناخت توانایی خود در محقق ساختن ظرفیت‌های عقلی و هیجانی خویش است. یا به عبارتی سلامت روان حالتی از رفاه است که در آن فرد توانایی‌هایش را بازمی‌شناسد. و قادر است با استرس‌های معمول زندگی مدارا کند. سلامت روان به‌اندازه سلامت جسمی در جوامع حائز اهمیت است.

سومین دسته مفهومی «رفاه اجتماعی» است. رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است. رفاه اجتماعی به عادلانه بودن توزیع فرصت‌ها و امکانات مختلف در جامعه اشاره دارد.

چهارمین دسته مفهومی «وضعیت اقتصادی» است. وضعیت اقتصادی با درآمد و وضعیت معیشت مردم معنی پیدا می‌کند. هرچه سطح درآمد مردم بالاتر باشد، قدرت خرید آن‌ها نیز بیشتر بوده در نتیجه می‌توانند سطح زندگی بالاتری را تجربه نمایند. در صورتی که نظام اقتصادی در منطقه آزاد عملکرد مناسب داشته باشد می‌تواند وضعیت اقتصادی مناسبی را برای مردم فراهم آورد؛ با بهتر شدن وضعیت اقتصادی مردم قادر خواهند بود پول بیشتری را در منطقه خرج نمایند و در نتیجه یک چرخه تقویتی مثبت، رونق اقتصادی در منطقه افزایش یافته و مجدداً بر وضعیت اقتصادی مردم تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

✓ تم شماره ۶ «عملکرد اقتصادی»: ششمین تم استخراج‌شده «عملکرد اقتصادی» است که شامل دسته‌های مفهومی درآمدزایی، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های خارجی است.

نخستین دسته مفهومی مربوط به تم «عملکرد اقتصادی»، «درآمدزایی» است. یکی از اهداف راه‌اندازی مناطق آزاد افزایش درآمد دولت و مردم از طریق فعالیت‌هایی است که در این مناطق انجام می‌شود. زمانی می‌توان ادعا نمود که عملکرد اقتصادی منطقه آزاد موردقبول است که سازوکارهای موجود در آن توانسته باشد ضمن افزایش درآمد دولت‌ها، درآمد و سطح معیت مردم منطقه را نیز افزایش داده دهد.

دومین دسته مفهومی «کاهش ریسک سرمایه‌گذاری» است. ریسک سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد باید همواره تحت نظارت و مدیریت قرار بگیرد. این ریسک هرگز نباید از ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه یا مناطق آزاد سایر کشورها بیشتر شود چراکه منجر به فرار سرمایه‌ها به سمت مناطق با ریسک کمتر خواهد شد. مدیریت صحیح و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری منجر به بهبود عملکرد اقتصادی مناطق آزاد خواهد شد.

سومین دسته مفهومی «جذب سرمایه‌های خارجی» است. به‌منظور سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و گسترش اشتغال، تولید و رفاه اقتصادی لازم است تا علاوه بر سرمایه‌گذاری داخلی و دولتی زمینه لازم برای حضور سرمایه‌های خارجی در منطقه را نیز فراهم نمود. لذا شناخت تنگناها و موانع جذب و گسترش سرمایه‌گذاری در مناطق بسیار حائز اهمیت است. دولت باید با رفع موانع و تسهیل جذب سرمایه‌های خارجی به بهبود عملکرد اقتصادی مناطق آزاد کمک نماید.

✓ تم شماره ۷ «عملکرد اجتماعی»: هفتمین تم استخراج‌شده «عملکرد اجتماعی» است که شامل دسته‌های مفهومی روابط اجتماعی، همبستگی و انسجام است.

نخستین دسته مفهومی مربوط به تم «عملکرد اجتماعی»، «روابط اجتماعی» است. ایجاد روابط اجتماعی سازنده بین افراد جامعه می‌تواند به تعالی کل جامعه کمک نموده و پایداری زیرساخت‌های اجتماعی را تضمین نماید. روابط اجتماعی ارتباط و وابستگی متقابل افراد نسبت به یکدیگر را شامل می‌شود و در صورتی که به‌صورت مثبت و سازنده شکل داده شود می‌تواند موجب توفیق عملکرد اجتماعی جامعه شود.

دومین دسته مفهومی «همبستگی و انسجام» است. یکی از ابعاد عملکرد اجتماعی مناطق آزاد عبارت است از میزان توفیق سیستم (منطقه آزاد) در به وجود آوردن همبستگی و انسجام در

جامعه. به منظور داشتن عملکرد اجتماعی مطلوب در منطقه لازم است تا برنامه‌های مدونی برای افزایش انسجام و همبستگی تهیه شود. بدون توجه به عملکرد اجتماعی نمی‌توان انتظار داشت سایر سیستم‌ها نظیر سیستم‌های اقتصادی از بهره‌وری لازم برخوردار باشند.

✓ تم شماره ۸ «عملکرد سیاسی»: هشتمین تم استخراج‌شده «عملکرد سیاسی» است که شامل دسته‌های مفهومی مواضع سیاسی، روابط با سایر دولت‌ها است.

نخستین دسته مفهومی مربوط به تم «عملکرد سیاسی»، «مواضع سیاسی» است. مواضع سیاسی دولت‌ها در قبال اتفاقات جهان و منطقه بسیار حائز اهمیت است. فرآیندهای مناطق آزاد باید چنان سازماندهی شوند که تحت تأثیر مواضع سیاسی کشور قرار نگیرند چراکه در این حالت منطقه آزاد از رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته و از اهداف اساسی خود دور خواهد شد. در صورتی وجود موضع سیاسی خاص در منطقه ممکن است سرمایه‌گذاران، بازرگانان و سایر افراد خارجی در تصمیم خود برای فعالیت در منطقه تجدیدنظر نمایند.

دومین دسته مفهومی «روابط با سایر دولت‌ها» است. یکی از اصول مهم سیاست خارجی داشتن روابط سازنده با سایر دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های منطقه است. داشتن روابط مناسب سبب افزایش مراودات اقتصادی می‌شود، در نتیجه مناطق آزاد نیز از این شرایط سود خواهند برد. دولت‌ها می‌توانند در قالب اسناد همکاری که باهم امضا می‌کنند شرایط را برای فعالان اقتصادی دو طرف تسهیل نمایند و با توسعه مناسبات تسهیلات اقتصادی و تجاری را برای تجار فراهم آورند این مهم اتفاق نمی‌افتد مگر با داشتن روابط سیاسی مناسب با سایر دولت‌ها.

✓ تم شماره ۹ «عملکرد فرهنگی»: نهمین تم استخراج‌شده «عملکرد فرهنگی» است که شامل دسته‌های مفهومی تبادل فرهنگی، هم‌افزایی فرهنگی و روابط فرهنگی است.

نخستین دسته مفهومی مربوط به تم «عملکرد فرهنگی»، «تبادل فرهنگی» می‌باشد. مناطق آزاد با توجه به موقعیت ویژه خود باید زمینه لازم جهت تبادل فرهنگی بین کشورها و اقوام مختلف را فراهم آورند.

دومین دسته مفهومی «هم‌افزایی فرهنگی» است. ایجاد هم‌افزایی فرهنگی با کشورهای همسایه به فرهنگ منطقه غنای بیشتری بخشیده و آن را ارتقا می‌دهند. هم‌افزایی فرهنگ‌ها از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند ضامن توسعه اجتماعی کشور و منطقه باشد. هم‌افزایی فرهنگی از ترکیب و تلفیق رویکردهای فرهنگی متنوع حاصل می‌گردد و می‌تواند موجب حفظ هویت و همبستگی شود. مناطق آزاد با تقویت ارتباطات میان فرهنگی و افزایش همبستگی اجتماعی زمینه توسعه اجتماعی کشور را فراهم می‌آورند.

سومین دسته مفهومی «روابط فرهنگی» است. داشتن روابط فرهنگی مستمر با کشورهای مختلف در قالب برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی بین‌المللی می‌تواند بر سایر ابعاد عملکردی مناطق آزاد از جمله عملکرد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کشورهایی که توانسته‌اند الگوی اقتصادی کشور خویش را به الگوی اقتصاد آزاد مبدل کنند در عمل گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند. می‌توان گفت این کشورها مبنای نظام اقتصادی خود را از نگرش مبتنی بر اقتصاد درون‌گرا بر اقتصاد برون‌گرا و تجارت آزاد تغییر داده‌اند. در این راستا مناطق آزاد به عنوان ابزاری در تحول عظیم اقتصادی مورد توجه کشورها قرار گرفته‌اند. در ایران نیز رشد و ارتقا سطح کمی و کیفی مناطق آزاد در کنار بهبود عملکرد سایر نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند به پیشبرد اهداف توسعه‌ای را تسهیل نماید (بروجی، ۱۳۹۳).

لذا کشورهایی که می‌خواهند از یک ساختار درون‌گرای اقتصادی عبور کنند و به یک ساختار باز اقتصادی برسند و خود را در عرصه‌های بین‌المللی مطرح نمایند قطعاً مناطق آزاد می‌توانند کارکردهای بهتری را برای آنها داشته باشند. در حقیقت مناطق آزاد دروازه‌های ورود به بازارهای جهانی با بهره‌گیری از پتانسیل‌ها و فرصت‌های اقتصاد داخلی در تجارت بین‌الملل است. مناطق آزاد تجاری با برخورداری از قوانین و مقررات خاص و ویژگی‌های مکانی و زیرساخت‌های منحصربه‌فرد در سطحی بالاتر از اقتصاد داخلی به منزله نیروی محرکه برای تداوم حرکت در مسیر توسعه اقتصادی می‌باشند و اقتصادی برون‌گرا و آزاد را برای کشورها به ارمغان می‌آورند. به دلیل آنکه یکی از روش‌های گسترش بازرگانی بین‌المللی استفاده از مناطق آزاد تجاری و صنعتی می‌باشد، اکثر صاحب‌نظران کمک گرفتن از این ابزار را توصیه کرده‌اند.

مناطق آزاد تجاری نقش بسزایی در توسعه دارند. این مناطق با تسهیل تجارت بین‌الملل و جذب سرمایه‌گذاری خارجی زیرساخت‌های لازم برای توسعه را فراهم نموده و با افزایش صادرات و اشتغال‌زایی علاوه بر توسعه اقتصادی زمینه را برای توسعه انسانی و اجتماعی فراهم می‌آورند.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و تم‌هایی که در نتیجه تحلیل مصاحبه‌های انجام‌گرفته حاصل شد می‌توان چنین فرض نمود که ابعاد مختلف عملکرد منطقه آزاد ارس می‌تواند ویژگی‌های جامعه‌شناختی آن تأثیرگذار باشد. همان‌طور که در شکل (۱) نشان داده شده است، ابعاد عملکرد منطقه آزاد ارس شامل عملکرد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد.

عملکرد اقتصادی منطقه آزاد ارس زمینه لازم برای توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد. توسعه اقتصادی عبارت است از رشد اقتصادی همراه با تغییرات بنیادین در اقتصاد و افزایش ظرفیت‌های

تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد. لذا عملکرد اقتصادی از طریق ایجاد توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی، بهبود پتانسیل‌های انسانی و اجتماعی بر ویژگی‌های جامعه‌شناختی نظیر همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، اخلاق اجتماعی، امنیت اجتماعی و کیفیت زندگی تاثیرگذار خواهد بود.

عملکرد اجتماعی با زمینه‌سازی برای توسعه اجتماعی می‌تواند بر ویژگی‌های جامعه‌شناختی اشاره‌شده در شکل (۱) تاثیرگذار باشد. توسعه اجتماعی با افزایش انسجام و همبستگی موجب افزایش همبستگی اجتماعی می‌شود؛ با کاهش فقر و توزیع عادلانه فرصت‌ها علاوه بر بهبود کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد.

عملکرد سیاسی مطلوب منجر به توسعه سیاسی خواهد شد. توسعه سیاسی از مفاهیم جامعه‌شناختی است که در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است.

از نظر کلمن، توسعه سیاسی عبارت است از مرادده مستمر بین فعالیت‌های ساختاری، ظرفیت‌های همگرا، الزامات برابری، پاسخگویی و سیستم سازگار شونده سیاسی، در حالی که هانتینگتون بر آن است که توسعه سیاسی پایدار، در قالب تفکیک ساختارهای سیاسی، مشارکت داوطلبانه، حکومت عقلایی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مستمر تعریف می‌شود. اهداف توسعه سیاسی: ۱. پیشرفت ۲. صنعتی شدن ۳. رفع فقر ۴. رفع وابستگی ۵. ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب زندگی گذشته به شرایط بهتر (Harvey, 1989, p.115). در نتیجه در صورت محقق شدن توسعه سیاسی در جامعه می‌توان آثار مثبت آن در ویژگی‌های جامعه‌شناختی نظیر بهبود معیشت مردم و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی، افزایش مشارکت افراد و احزاب در جامعه و در نتیجه بهبود عدالت اجتماعی، اصلاحات ساختاری و در نتیجه افزایش امنیت اجتماعی را مشاهده کرد.

از عملکرد فرهنگی نیز انتظار می‌رود تا زمینه لازم برای توسعه فرهنگی را فراهم نماید. بر اساس تعریف یونسکو توسعه فرهنگی عبارت است از توسعه و پیشرفت زندگی یک جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به صورتی که با واقعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد؛ بنابراین عملکرد فرهنگی بایستی با توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز همراه باشد که در این صورت منجر به بهبود ویژگی‌های جامعه‌شناختی شامل همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، اخلاق اجتماعی، امنیت اجتماعی و کیفیت زندگی خواهد شد.

پیشنهادها

با توجه به تم‌های استخراج‌شده و نتایج به‌دست‌آمده پیشنهادهای کاربردی و عملیاتی این پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. اتخاذ تفکر سیستمی در سیاستگذاری توسعه و توجه به توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به صورت توأمان
۲. پایش مستمر عملکرد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناطق آزاد به منظور استفاده بهینه از سازوکار منطقه آزاد برای تقویت ویژگی‌های جامعه‌شناختی منطقه
۳. برنامه‌ریزی به منظور بهره‌گیری هرچه بیشتر از پتانسیل‌های مناطق آزاد در جهت توسعه کشور
۴. توجه به توسعه سیاسی منطقه با هدف افزایش مشارکت افراد و احزاب و در نتیجه افزایش عدالت اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی
۵. اصلاح ساختار اقتصادی و توجه بیشتر بر اقتصاد برون‌گرا و تجارت آزاد

منابع

- اسفندیاری، علی‌اصغر؛ مقدس حسین‌زاده سمیره و مجید دلاوری، (۱۳۸۷)، ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تاثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق، *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۲۸، صص ۱۴۶-۱۱۹.
- بروجی، کوروش، (۱۳۹۳). نقش مناطق آزاد تجاری- صنعتی در توسعه اقتصاد ملی، *اولین همایش ملی توسعه پایدار دریا محور*، دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر.
- تقی‌زاده، خدیجه، (۱۳۸۹)، عملکرد مناطق آزاد تجاری- صنعتی کشور در چهار سال اول برنامه چهارم توسعه، *ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره‌های ۹ و ۱۰، صص ۱۳۲-۱۲۳.
- توسلی، غلام عباس، (۱۳۷۳)، جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ، *فرهنگ توسعه*، شماره ۱۵، صص ۳۳-۲۴.
- حمیدیان، اکرم، زاهدی، محمدجواد؛ ملکی، امیر و انصاری، ابراهیم، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی و طرد اجتماعی گروه‌ها در کلان‌شهر اصفهان، *دوفصلنامه پژوهش‌های شناسی معاصر*، سال چهارم، شماره ۶، صص ۱:۳۲.
- رستمی، فرزاد و فرشته بهرامپور، (۱۳۹۵). بررسی ماهیت اقتصاد مقاومتی و نظریه‌های توسعه اقتصادی، *مجله اقتصادی*، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۹۵-۱۱۶.
- رهنورد، فرج‌الله، (۱۳۸۹)، عوامل مؤثر بر عملکرد مناطق آزاد تجاری صنعتی ایران، *فرایند مدیریت و توسعه*، شماره ۷۴، صص ۴۵-۵۹.
- سازمان برنامه، (۱۳۳۱)، *سنجش پیشرفت و عملکرد برنامه عمرانی هفت‌ساله اول ایران*، مدیریت امور اقتصادی سازمان برنامه.
- سازمان برنامه، (۱۳۳۸)، *سنجش پیشرفت و عملکرد برنامه عمرانی هفت‌ساله دوم ایران*، مدیریت امور اقتصادی سازمان برنامه.
- سازمان برنامه، (۱۳۴۶)، *ارزشیابی عملکرد برنامه سوم*. دفتر اطلاعات و گزارش‌ها سازمان برنامه.
- سییلان اردستانی، حسن، (۱۳۹۱)، نگاه جامعه‌شناختی به گروه‌های اجتماعی مجازی، *مطالعات رسانه‌ای*، سال هفتم، شماره هجدهم، صص ۱۴۳-۱۵۶.
- عباسی اسفنجانی؛ میرزایی، حسین و مهدیه احمدی کمالی، (۱۳۹۶)، بررسی عملکرد منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس از منظر صادرات، *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۸۱، صص ۱۰۰-۸۵.
- کریمی‌کیا، اسما و محمد مقدم، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد اروند، *ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره‌های ۶ و ۷، صص ۲۸-۵.
- لطیفی، غلامرضا و محمدعلی قائم‌پور، (۱۳۹۵)، تأثیر مناطق ویژه اقتصادی بر رفاه و توسعه اجتماعی مناطق شهری و روستایی (مطالعه موردی: منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان)، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۲۲۴-۱۸۹.
- مظفری‌نیا، مهدی؛ منوچهری، عباس؛ غفاری، مسعود و فرشاد مومنی، (۱۳۹۵). اندیشه‌شناسی سیاسی نظریه مراحل رشد اقتصادی روستو، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره هشتم، شماره ۲، ۱۵۷-۱۷۶.

میسرا، آر.پی، (۱۳۶۴)، مفهوم توسعه، مشخصه‌های جامعه عقب‌افتاده، *مجله جهاد (ترویج کشاورزی و توسعه روستایی)*، شماره ۷۶، صص ۲۴-۱۲.

- Aitken, B. J., & Harrison, A. E. (1999). Do domestic firms benefit from direct foreign investment? Evidence from Venezuela. *American economic review*, 89(3): 605-618.
- Akinci, G., & Crittle, J. (2008). Special economic zone: performance, lessons learned, and implication for zone development (English). *Foreign Investment Advisory Service (FIAS) occasional paper*. Washington, DC: World Bank.
- Braun, V., & Clarke, V., (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2): 83.
- Carr Alison J, Barry Gibson, & Peter G Robinson (2001) Is quality of life determined by expectations or experience? *BMJ*. May 19; 322(7296): 1240-1243.
- Choe, J. I. (2003). Do foreign direct investment and gross domestic investment promote economic growth? *Review of Development Economics*, 7(1): 44-57.
- Daru, M. U. (2016). SEZ: A Tool of Multiplier of GDP. *International Journal of Research in Finance and Marketing*, 6(10): 151-160
- Demirelisc, Büşra (2018), *Free Economic Zones' Impact on Regional Economic Development: Comparative Analysis of FEZ's in Baltic States*, Faculty of Economics and Administration. Pardubice University.
- Dissart, J.C, & Deller S.C (2000). Quality of life in the planning literature. *Journal of planning literature*. 15 (1): 135-161.
- Dushi Irena, Howard M. Iams, and Brad Trenkamp (2017). The Importance of Social Security Benefits to the Income of the Aged Population. *Social Security Bulletin*, Vol. 77, No. 2, p1-12
- Elsbernd Mary, (2005). Social Ethics, *Journal of Theological studies*. Volume: 66 issue: 1, page(s): 137-158
- Fereday, J., & Muir-Cochrane, E. (2006). Demonstrating Rigor Using Thematic Analysis: A Hybrid Approach of Inductive and Deductive Coding and Theme Development. *International Journal of Qualitative Methods*, 5(1): 4.
- Gomez Zaldívar Fernando and Edmundo Molina (2018). Special economic zones and their impact on regional economic development. *Problemas del Desarrollo*. 49(193).
- Harvey, D. (1989). *The Condition of Post modernity*. OXFORD, Blackwell.
- Herlevi, A. (2017). Economic Growth or Sowing the Seeds of Destruction? The Role of Economic Development Zones in China. *J. Chin. Polit. Sci.*, 22: 675-689.
- Hettne, B. (2009). *Thinking about development*. London: Zed books.

- Holz C.A. (2011). The unbalanced growth hypothesis and the role of the state: The case of China's state-owned enterprises. *Journal of Development Economics*. 96: 220–238.
- Jayanthakumaran, Kankesu (2003). Benefit-Cost Appraisals of Export Processing Zones: a survey of literature. *Development policy Review*. 21(1): 51-65.
- Johnson, B. (1977). *Examining the validity structure of qualitative research, education*, 118(2).
- Massan, B.H (2002). Quality of life: Public Planning and Private living. *Progress in planning*. 58: 141- 227.
- Maxwell, Joseph (1992). Understanding and validity in qualitative research, *Harvard education Review*, 62(3).
- Pastusiak, R.; Jasiniak, M., & Kaźmierska, A. (2015) Should Local Governments Expect Benefits from Special Economic Zones? The Case of Poland, *World Academy of Science. Eng. Technol. Int. J. Econ. Manag. Eng.* 9(3): 913-919
- Peet, R., & Hartwick, E. (2009). *Theories of development: Contentions, arguments, alternatives* (2nd ed.). New York: The Guilford Press.
- Rist, G. (2008). *The history of development: From Western origins to global faith*. London: Zed Books.
- Rodrik, Dani, (2010). Making Room for China in the World Economy. *American Economic Review: Papers & Proceedings* 100 (2): 89–93.
- Rostow, W. W. (1960). *The stages of economic growth: A non-communist manifesto*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Universal Declaration of Human Rights. Plain language version. United Nations. Retrieved 20 April 2012. Art 22.
- Vinod K. U. M. Meerabai, (2016). Significance of free economic zones: A Study from an international perspective. *International Journal of Trade & Global Business Perspectives* © Pezzottaite Journals. 5(4): 3111-3120
- Zeng, D. Z. (2016). Special economic zones: Lessons from the global experience. *PEDL Synthesis Paper Series*, 1: 1-9.